

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۲ اردیبهشت ۹۴

خطبه‌ی ولادت امیر مؤمنان (ع)

سلام بر یوم‌الدین، یومی مبارک، روز مرگ باطل، روز شکست شیطان و روز ظهور حق و عدالت. نامش را چه قلمی می‌نویسد و چه زبانی قادر است تا وصفش کند؟ آیا توان عقلی آدمیان از ازل تا ابد به نامش اندیشیده است؟ او کیست که اولین فریاد حق را همراه اولین تنفس زمینی‌اش در درون کعبه‌ی مکرمه به نمایش گذاشته تا جای پایش تا قیامت معرف نامش باشد؟ پس او را ابوتراب خواندند تا خاک معنا شود. کدام خاک شاهی گویا خواهد بود بر پدری که در دامن خویش ابوتراب دیگری را به نمایش گذاشت. سیزده رجب چه طلوع با شکوهی را خبر می‌دهد. ذوالفقار به دیدنش می‌شتابد، خود را معرفی می‌کند، من همان تیغ برنده‌ای هستم که گلوی باطل را می‌درد تا عبد را معنا کند، پس پیشانی عبد می‌شکند، خون پاکش بر چهره‌ی مبارکش جاری می‌شود، ولی آرام نمی‌گیرد. چه سر پرشوری؛ تا قیامت شور هدایتش مردمان دهر را به خود می‌خواند. شیعه به وجود مبارکش افتخار می‌کند. او را به مدد جراحتهایی می‌خواند که جانش را مانند ریسمانی در خود پیچیده است. امروز ذوالفقار به ما می‌نگرد. برق تیغش در جان‌هایی اثرگذار است که توانسته باشند همراه امامت گردن باطل را آن‌چنان از تن جدا کنند که اثرش بشود شور عاشوراییان؛ شوری که به زمان محرم ختم نمی‌شود بلکه حرارتش را به جانش می‌خوراند تا با زبان دل با این ساعات پرشور درد دل کند، ساعاتی که به عاشورا نظر می‌کند و به زبانی که او را به محفل حقی دعوت کرده تا شنوای حقیقت جانش شود، زیرا جان این خانه تصویرتان را در شادی‌ها و غم‌ها مانند نقاشی ماهر در صندوقچه‌ی جانش به امانت نگه می‌دارد، پس سپاسگزار پروردگارتان باشید که آدرسش را یافتید.

اگر توانستید به واقع مهمانش باشید، پس امروز شیرینی نام علی بن ابی طالب (س) را در کامتان حس می‌کنید. مهربانی‌اش را در آغوش گرمش که همواره برای اسلام گشوده بود را با خود همراه کنید تا توان درک حق در جانتان مانند شرابی عمل کند که قرآن کریم به آن اشاره فرموده: که جان شما همواره دارای دو شراب مست کننده است، یا

از عشقش مست می‌شوید و یا از شرّش. اگر از شرّش مست شوید، فرق حق را می‌شکافید، آنگاه به دست حق قصاص می‌شوید.

پس صورتتان را به طرف کعبه‌ی مکرمه نزدیک کنید تا نوای داخلش را به گوش جان بشنوید. زمزمه‌ای شیرین فاطمه بنت اسد را خطاب می‌کند: فاطمه، پسری که در دامن گذارده‌ای برق نگاهش ویران کننده‌ی کاخ‌هایی است که مردمانش به صبح و شامی دل‌خوش‌اند که لقمه‌ی نانی و جرعه‌ی آبی زندگی‌شان را به اتمام می‌رساند. همواره در خیالشان دنیایی را ترسیم کرده‌اند که دارای سه وعده‌ی عبادت است. وعده‌ها از راه می‌رسد و به فرمانش جانشان آماده‌ی محضری که همواره از حقیقتش گریخته‌اند. پس مدال مسلمان شیعه به سینه‌هایی نصب می‌شود که آیات کریمه‌ی قرآن نشانش را فرموده، پس جانتان را به مدالش بیارآیید و مطمئن باشید هیچ حرکتی از چشم زمان پوشیده نیست.

آنچه در صفحه‌ی امروز نقش می‌بندد بیعت با حق است. بشتابید، فرصت عمرتان مانند عقربه‌ی ساعت به اتمامش نزدیک می‌شود، پیمان‌های جانتان را پر کنید تا صدای عاشوراییان را که همواره حقیقت خلقت را در آینه‌ی هدایت امامشان دیدند و با او ماندند نه با دنیایی که اثری از باطل را باقی نخواهد گذاشت.

اینک همگی به کعبه‌ی مکرمه نظر می‌کنیم تا از معمای جانی برآیمان صحبت کند که در درون جانش جای داده است، برای گشودن این رمز زیبا معلمش را می‌خوانیم:

**اللهم عجل لولیک الفرج**